

معتضدالدوله رفاهی بروجردی

مجید مهران
به کوشش: محسن روستایی



مجید مهران



در مرداد ماه سال جاری بنا به پیشنهاد سردبیر مجله به دیدار جناب آقای مجید مهران رفاهی فرزند شاعر و عارف بزرگ لرستانی حاج حسن رفاهی (بروجردی) ملقب به معتضدالدوله، افتخار یافتیم. ایشان با آغوشی باز و از روی محبت و بزرگواری و نجابتی وصف ناپذیر این جانب را در منزل خویش به حضور پذیرفتند تا خاطرات و آگاهیهای خود را در باره چگونگی و معرفی پدر بزرگوارشان حاج حسن رفاهی شاعر توانا و دیر آشنای بروجردی و خاندان مهران بیان دارند. آنچه که در پی می آید حاصل گفتگوی صمیمانه و مطالب مستندی است که جناب آقای مجید مهران رفاهی اظهار و یا در اختیار این جانب قرار داده اند. ابتدا ایشان در معرفی خود گفت: و این جانب مجید مهران رفاهی فرزند حاج حسن رفاهی (بروجردی) ملقب به معتضدالدوله هستم که در سال ۱۳۰۴ ش. مصادف با روی کار آمدن رضاخان در تهران به دنیا آمدم. پس از پایان دوران دبستان و گذراندن دروس متوسطه در دبیرستانهای ایرانشهر و البرز در سال ۱۳۲۷ ش. وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه تهران شدم. و با رتبه ممتاز موفق به اخذ لیسانس گردیدم. و پایان نامه ای هم برای پایان تحصیلات تحت عنوان (شرکت نفت انگلیس و ایران) به دانشکده مزبور ارائه دادم. که برای تهیه آن زحمات

لرستان پژوهی، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷

بسیاری را متحمل شدم و خوشبختانه بسیار هم مورد توجه صاحب نظران قرار گرفت. پس از فراغت از تحصیل بسیار علاقه مند بودم که در وزارت امور خارجه مشغول به کار شوم. ولی در آن روزگار، وزارت امور خارجه تیول یک عده افراد خاص بود. با این وصف مجبور شدم مدتی در کتابخانه ملی به عنوان مسؤول دفتر کتابخانه مشغول به کار شوم. با گذشت زمان، بستری فراهم شد که در رادیو ایران در یک سخنرانی به تحلیل و بررسی مسائل مربوط به برنامه ریزی امتحانات دانش آموزان پردازم. همین امر باعث شد که سخنرانی رادیویی من بسیار مورد توجه مسؤولین وزارت امور خارجه قرار گیرد و با امتحانی که از طریق آن وزارتخانه به عمل آمد. بالاخره کار خود را در وزارت امور خارجه و اداره سازمان ملل متحد و بعد از چندی در اداره سجلات و احوال شخصیه شروع و مشغول به خدمت شدم. در زمان ملی شدن صنعت نفت به دفتر رمز وزارت امور خارجه منتقل شدم. کار من بیشتر ارسال تلگرافات رمزی بود که در دوران دکتر مصدق این اداره بسیار فعال و پر کار بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد به سمت وابسته سفارت ایران در لندن منصوب شدم. البته در آن زمان علی سهیلی سفیر ایران در انگلیس بود و با وساطت دکتر محمود مهران که در آن روزگار معاون وزارت فرهنگ بود؛ پس از اینکه فن ماشین نویسی را فرا گرفتم تا دو سال در لندن فقط کارم ماشین کردن گزارشهای سیاسی و اقتصادی سفارتخانه ایران در انگلیس بود. با این وصف تلاشهای بی وقفه و شبانه روزیم باعث شد تا به سمت دبیر سوم سفارت ایران در لندن ارتقا یابم. سرنوشت و تقدیر این بود که من تا رسیدن به دوران بازنشستگی در همین وزارتخانه باقی بمانم. از این رو تا سال ۱۳۵۹ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی این جانب در مناصب دیگری چون: رایزن درجه ۲ سفارت ایران در توکیو (۱۳۴۰-۱۳۴۲)، سرپرست اداره تابعیت وزارت امور خارجه، معاون سرکنسولگری ایران در سانفرانسیسکو، رایزن درجه ۱ (وزیر مختار) ایران در بغداد، سرپرست اداره نهم سیاسی وزارت امور خارجه، سرکنسول ایران در شیکاگو (۱۳۵۳-۱۳۵۶)، دبیر شورای خلیج فارس (۱۳۵۶-۱۳۵۸)، سفیر جمهوری اسلامی ایران در بحرین ۱۳۵۸. و سرانجام در تیرماه ۱۳۵۹ از سوی وزارت امور خارجه با بیش از ۳۰ سال خدمت بازنشسته شدم.

متنهای و مطالعات فرهنگی

متنهای از آنجایی که بیکاری را مناسب حال نمی دانستم. زمین باپری را که در کرج داشتم با زدن چاه به زمینی دایر مبدل کردم و در حال حاضر مشغول به امر کشاورزی هستم. اما در این مجال بهتر است در مورد مرحوم پدرم حاج حسن رفاهی (بروجردی) ملقب به (معتضدالدوله) و بزرگ فامیل مهرانها و این شاعر گرانقدر خطه لرستان و آثار او مطالب خود را بیان دارم.

به این ترتیب او درباره پدرش اطلاعاتی داد. آنچه در پی می خوانید بخشهایی از این اطلاعات است.

مرحوم حسن رفاهی (مهران) در سال ۱۲۵۱ ش. در شهر بروجرد دیده به جهان گشود. با گذشت زمان و در حالی که هجده سال داشت پدرش میرزا غلام حسین خان که زمانی بر مسند حکومت استرآباد (گرگان) نشسته بود بدرود حیات می گوید. و او از آن هنگام سرپرستی مادر و سه برادر و تنها

خواهرش را به عهده می‌گیرد.

در اندک زمانی مادر را نیز به علت ابتلا به بیماری وبا از دست می‌دهد که تا دم مرگ یاد او اشک چشمان رفاهی حساس را بی اختیار جاری می‌ساخت. او که از اوان کودکی به تحصیل علوم قدیمه توجهی خاص داشت. پس از وداع با پدر و مادر خویش با خواهر و برادرانش به تهران عزیمت کردند. با گذشت زمان و به مرور ذوق ادبی او بر سایر استعدادهایش برتری یافت. چنانچه در همان سنین جوانی ضمن مطالعه آثار شعرای فارسی گوی و بزرگان سخن و ادب پارسی به سرودن اشعاری نغز مبادرت نمود و نام رفاهی را به عنوان تخلص شاعری انتخاب کرد. متأسفانه دیوان او بر اثر حوادث زمان از بین رفت و تنها قصیده جهان نامه که بالغ بر دویست و پنجاه بیت است از او باقی مانده است.

در مورد چگونگی سرودن قصیده جهان نامه نقل است که در روزهای یکشنبه هر هفته انجمن ادبی بسیار با شکوهی در منزل شاهزاده افسر محمد هاشم میرزا ملقب به شیخ الرئیس تشکیل می‌شد او که یکی از شخصیت‌های برجسته خراسانی مقیم تهران (واقع در خیابان ژاله سابق، کوچه صدیق السلطنه) بود همواره، رجال علم و ادب را در انجمن مزبور به دور هم جمع می‌کرد و به سخن و سخن‌پروری می‌پرداختند و بازار علم و ادب در آن منزل رونق فراوانی داشت شعرای شهرستانها که به تهران سفر می‌کردند اکثر در انجمن مذکور شرکت جسته سروده‌های خود را می‌خواندند و جوانان نوحاسته و تازه شاعر تهران نیز محلی را اشغال نموده بوسیله بزرگترها تلطیف و با استماع سخنرانیهای سودمندی که از سوی پیش‌کسوتان و استادان ایراد می‌شد بسیاری از آموختنی‌ها را فرا می‌گرفتند.

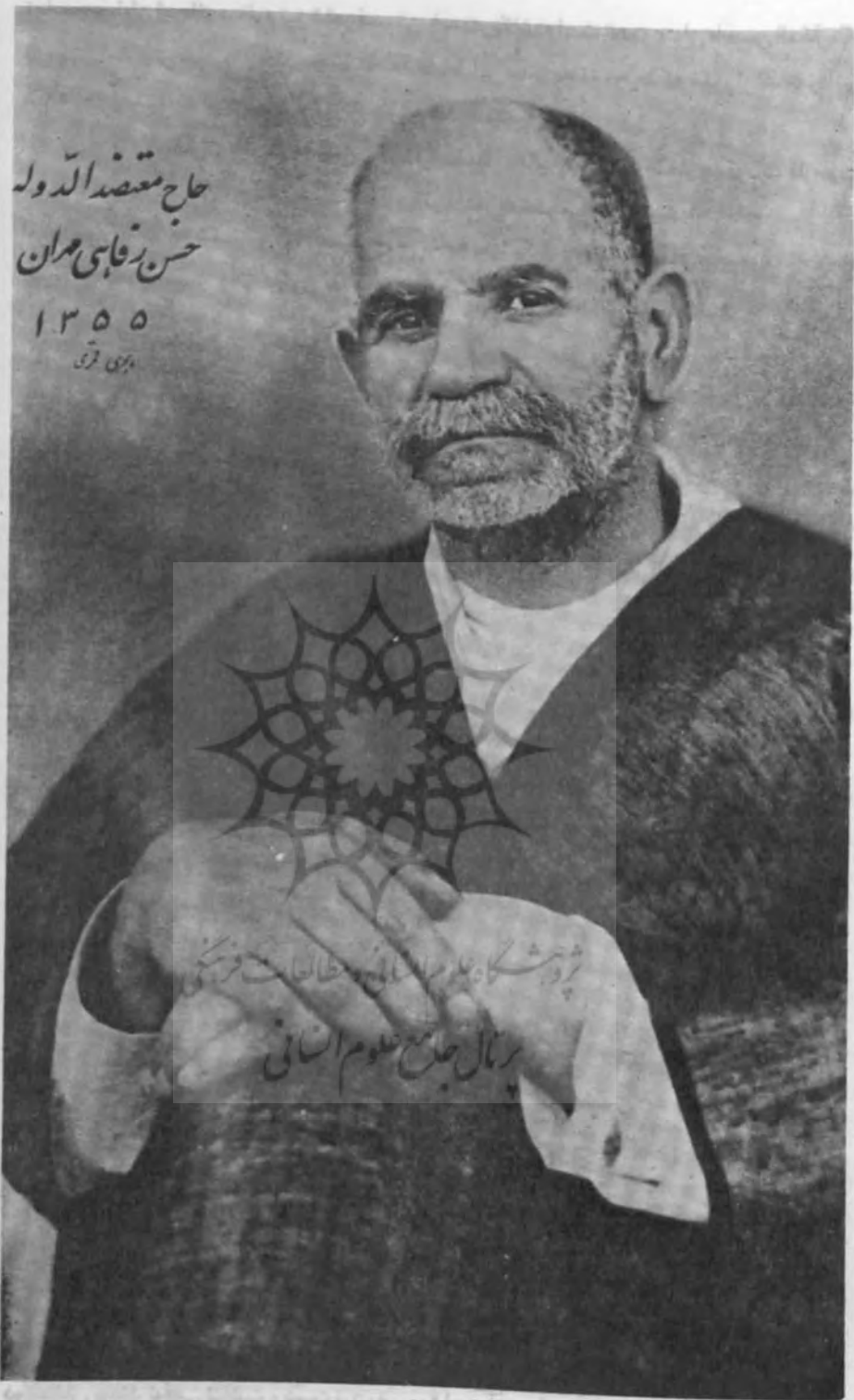
در این انجمن شعرای بزرگ چون ملک الشعرای بهار و مرحوم استاد جلال الدین همایی و بدیع الزمان فروزانفر و اقران آنان شرکت می‌کردند و هر هفته استاد ملک‌الشعرا قالی با دیوان سعدی یا حافظ و یا شعرای دیگر می‌زد و شعری انتخاب می‌کرد که شعرا استقبال کنند. در یکی از هفته‌ها فال مرحوم ملک الشعرا این غزل سعدی آمد:

زی‌نهار از دهان خندانش آتشین لعل آب دندانش

مگر آن دایه کاین صنم پرورد شهد بوده است شیرپستانش...الی آخر

در همین هنگام استاد حسن رفاهی. در این جلسه حضور دارد و هفته بعد سروده خود را که یک غزل شیوا بود قرائت می‌کند و از این رو مورد توجه واقع می‌گردد. ولی بعداً این غزل او را رها نکرد و با همان وزن و قافیه سرودن را ادامه داد و هفت بار تجدید مطلع نمود و نام آن را که یک قصیده ۲۵۰ بیتی بی سابقه و یا حداقل کم سابقه است «جهان نامه» نهاد که در مجموع نشانگر قدرت طبع و وسعت اندیشه اخلاقی و اجتماعی شاعر، بالاخص در بند هفتم این قصیده است. این بند به خط مرحوم میرزا حسین خوش نویسی نوشته می‌شود و در مقبره خانوادگی شادروان حسن رفاهی نصب می‌گردد. اشعار مذکور در سال ۱۳۳۷ ق. و حدود سال ۱۲۹۷ ش. سروده شده است.

لازم به یاد آوری است که در پایان هر بند قصیده جهان نامه قافیه تغییر می‌کند ولی شاعر اصرار داد که همانند قالبهای ترجیع بند و ترکیب بند موضوع و محتوا یکتواخی خود را تا آخر شعر حفظ



حاج معتمد الدوله
حسن رفیعی مران

۱۳۵۵
بهمن ماه

پژوهشگاه ملی مطالعات فرهنگی
برمال جمع علوم انسانی

گروه مطالعات فرهنگی، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷

نماید. در پایان این اثر منظوم نیز شاعر قسمتی را به نثر نگاشته است تحت عنوان «احسن المقال» که در جواب خواهش شادروان سید محمد محیط طباطبایی مدیر مجله محیط که مکرر از استاد رفاهی مقاله‌ای خواسته بود در آن عصر و روزگار نوشته شده است.

نثر احسن المقال از نظر شیوه نگارش ساده و نسبتاً آهنگین است و با اشعار و مفردات فارسی و عربی به سبک گلستان آراسته شده است. این اثر منشور به نظر می‌آید از جمله نثرهای نسبتاً ادبی اواخر عصر قاجار به شمار می‌آید. قصیده جهان نامه تنها یکبار به وسیله آقای مسعود مهران در آمریکا به شکل افست و در تیراژی محدود منتهی با کیفیتی مزین با خط خوش مرحوم رفاهی به چاپ رسیده است.

آن شادروان به خط خوش علاقه‌ای وافر داشت و خود او شکسته نستعلیق و خط ثلث را محکم و قوی می‌نوشت و شخصاً یک خوشنویس محبوب می‌گردد. و به همین جهت هفت فرزند ذکور خود آقایان: حسین و محسن، جعفر و سعید و احمد و مسعود و مجید مهران را نزد مرحوم خوش نویسی باشی گماشت تا تعلیم خط فراگیرند. علاوه بر خوشنویسی مرحوم رفاهی علاقه وافر داشت که مرقعات خوش نویسان معروف را جمع آوری نماید و شرح احوال برخی از آنها را با قلمی شیرین می‌نگاشت.

مرحوم حاج حسن رفاهی از رجال متدین و درستکار و متشخص دوره قاجاریه بود و ابتدا ساعد دیوان، و سپس معتضد الدوله لقب گرفت و نام خانوادگی مهران را در عصر رضا شاه برگزید. او در میان رجال عصر و بین مردم به عنوان بزرگ خاندان مهران حسن شهرتی به سزا یافت. فقید سعید به ساحت مقدس سرور آزادگان حضرت سید الشهداء (ع) در تمام عمر امدادی خاص می‌ورزید بطوری که همه ساله در دهه عاشورا مجلس با شکوهی برای ذکر محامد شهید راه حق و حقیقت و اهل بیت عصمت در منزل مسکونی خود در کوچه حاج سقاباشی واقع در خیابان عین‌الدوله (ایران) تشکیل می‌داد. آن شادروان در رثا سرور شهیدان حضرت امام حسین (ع) در مطلع ثانی «جهان نامه» شانزده بیت سروده است که فوق‌العاده مؤثر و جانسوز بوده و حکایت از ارادت سرشار او نسبت به خاندان عصمت و طهارت می‌کند. مطلع آن از این قرار است:

هر سال چون به دوران ماه محرم آید / در قلب مستمندان غم برسرغم آید

از طرفی خانهاش مرکز رفت و آمد فضلا و دانشمندان و تقوا پیشگان بود. دوستی او با خطباء و عاظم معروف و اهل منبر برای نشر معارف اسلامی بسیار صمیمی و گرماگرم بود و بطور مستمر در طول عمرش ادامه داشت.

او مردی مصمم و با اراده‌ای قوی بود. در خیلی از امور دیدهای بسیار عمیق و توجه روشنی داشت و آتیه را خوب پیش بینی می‌کرد. به دوستی ایمان داشت و با آنکه محتشم زندگی می‌کرد ولی مردی فوق العاده بی ریا و به زرو زیور دنیا اعتنایی نداشت مرد معتقدی بود و پای اعتقادات خود می‌ایستاد از اشخاص افتاده و بی بضاعت پشتیبانی و دستگیری می‌کرد و از روسای امور با وجودی که از دوستانش بودند توقعی نداشت و دست نیاز به سویشان دراز نمی‌کرد. دوستی را تنها به خاطر دوستی



شورسکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گهرستان پژوهی، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷

می‌خواست و به هیچ کس به چشم بد و دشمنی نگاه نمی‌کرد و خوبی اشخاص را از خاطر نمی‌برد و از کسانی که آزار روحی دیده بود کینه بر دل نمی‌گرفت و بدیها را به بوته فراموشی می‌سپرد. وی مردی عارف پیشه و آزاده و از سالکان طریق حق بود و دنبال مقامهای دنیوی با آنکه امکانات و موقعیت آن را داشت نمی‌رفت و بر همین لحاظ در جوانی گوشه عزلت گزید و عزت نفس داشت. سرانجام استاد حسن رفاهی در سال ۱۳۱۷ ش. و در سن شصت و شش سالگی از دنیا رفت و در تهران دارفانی را وداع کرد. و در آستان شاه عبدالعظیم (ع) و در راه بین صحن مطهر و باغچه علی‌جان به خاک سپرده شده است. خیابان رفاهی و کوچه مهران واقع در خیابان لاله زار از یادگارهای اوست و از تنها همسر خود شادروان زینبده خانم یازده فرزند داشت که مسعود و این جانب مجید مهران در قید حیات هستیم. مرحوم رفاهی در پشت قرآنی که تاریخ ولادت فرزندان خود را به هجری قمری - هجری شمسی و تاریخ میلادی ثبت کرده است یک بیتی در صدر صفحه نوشته است که جالب به نظر می‌رسد:

فرزند بنده‌ایست خدا را غمش مخور تو کیستی که به ز خدا بنده پروری
در پایان مطلع هفتم قصیده جهان نامه را برای آشنایی با نمونه‌ای از اشعار مرحوم رفاهی بیان می‌کنیم:

هر که از تن جدا شود جانش	وصل گردد به جان جانانش
ای که بر خاک ما روی آزاد	یاد کن زین اسیر و زندانش
آتشین حسرت دل ما را	به یکی قطره اشک بنشانش
ابدی مه‌د خوابگاه مرا	با سرانگشت خود بجنانش
عوض لالای طفلانه	سرعشری بخوان ز قرآنش
رحمتی بر روان وی بفرست	و ز خداوند خواه غفرانش
خاصه در عصر من که از هر سو	شعله ور گشته نار سوزانش
آخر الامر صید گورم گرد	تیر بهرام و کید کیوانش
جای باریک و منزل تاریک	عرصه‌ام تنگ کرد اعیانش
شهر ما هست شهر خاموشان	نه دروغی در آن نه بهتانش
پادشاه و گدا نشسته به هم	فارغ از روزگار و حدثانش
گر ببینی تو فرق نگذاری	سر دهقان ز فرق خاقانش
شان هر کس به قدر نیت اوست	هر چه نیت نکو، نکوشانش
الحذر ای بشر ز شر بشر	که شرر می‌جهد ز شر نانش
ظلمت دود آتش جهلش	از میان برد نور عرفانش
لاجرم عنقریب می‌بینم	که نه خرمانده و نه پالانش
بهتر از این نمی‌شود احوال	گله‌ای را که گرگ چوپانش
وای بر ساکنین آن کشتی	که بود دست خصم سکانش

آن کمیسر که خود خمار بود
گر تمدن از این مقوله بود
یارب این مشکلات لاینحل
هم مگر لطف تو به نقشه خصم
سیل بنیان کن اروپا را
گفتمت آنچه باید و شاید
اجرم از تو همین که اورا قم
این جهان نامه رفاهی، را
که اگر لذتی به عالم هست
در محیطی که با قیل است بلیغ
چون نباشد محمدی (ص) موجود
سیصد و سی و هفت بعد از الف
هر که آثار من نگهدارد
پای این نامه را ز مهر وطن
تا جهان است خاک ایران باد

هوشیار مجوز آرائش
رحمت حق به روح غولانش
که کند جز توسهل و آسانش
یکشد باز خط بطلانش
از ره آسیا بگردانش
باد باقی بقای رندانش
مگذاری به طاق نسیانش
گاه گاهی ز مهر بر خوانش
سخن است از لب سخندانش
چه کنم صحبتی ز سبحانش
چه ثمر از وجود حسانش
گفتم این داستان به تهرانش
لطف یزدان بود نگهبانش
مهر کردم به نام یزدانش
معبد دودمان آریانش

پی نوشت

۱. اعضای سرشناس خانواده مهران و سمت‌هایی را که در خدمات اداری، فرهنگی و احراز کرده‌اند:
۱. مرحوم میرزا صادق بروجردی پدر محمد، محمود، قاطمه و احمد مهران شوهر خواهر حسن رفاهی مهران بود و از آزادی‌خواهان صدر مشروطیت است که به اتفاق عده‌ای به گرمانشاه و از آن جا به استانبول مهاجرت کرد. طبع شعر داشت و چند هزار بیت از او باقی است که متأسفانه هنوز چاپ نشده است. فرزندان آن مرحوم برای وحدت نام خانوادگی با اجازه پدرم نام فامیل (صادقی بروجردی) را به نام خانوادگی مهران تغییر دادند.
۲. محمد مهران، فرزند صادق بروجردی و تولد او در بروجرد بوده است؛ پیشکار دارایی استانهای خراسان و آذربایجان، شهردار تهران، استاندار سیستان و بلوچستان، نایب التولیه استان قدس رضوی و تولیت آستانه مبارکه حضرت معصومه علیها سلام در قم.
۳. دکتر محمود مهران فرزند صادق بروجردی: وزیر فرهنگ، مدیر عامل سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، وزیر مختار فرهنگی ایران در پاریس در دو نوبت، استاد رشته بانکداری در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و سرپرست دانشکده معماری دانشگاه ملی.... در ابتدای خدمت در وزارت فرهنگ دبیر ریاضیات و علم نجوم بود و درباره جبر و مقابله و هندسه و مثلثات و هیئت تألیفاتی از او باقی است و پایان نامه دکترای او در علم اقتصاد از دانشگاه ژنو درباره شرکت‌های تعاونی است که به زبان فرانسه منتشر شده است.
۴. احمد مهران فرزند میرزا صادق بروجردی: مدیر کل فنی وزارت فرهنگ، نماینده مجلس از بروجرد دوره نوزدهم و نماینده مجلس شورا در دوره بیستم از تهران. اشعاری از او تحت عنوان «مکتب راستی و ترجیع بنده» به چاپ رسیده است.
۵. بانو فاطمه فرزند میرزا صادق بروجردی: مدیر کتابخانه موزه ایران باستان و انجمن آثار ملی ایران.
۶. اکبر مهران فرزند میرزا علی خان: رئیس فرهنگ استان خوزستان، رئیس دبیرستان علمیه تهران، رئیس فرهنگ استان تهران و سرپرست دانشجویان ایرانی در سوئیس و بلژیک.
۷. محمد علی مهران فرزند میرزا علی خان: دبیر در دبیرستانهای مختلف کشور، معاون اداره ساختمان وزارت فرهنگ و عضو هیئت مدیره بانک رهنی ایران.

۸. دکتر رضا مهران فرزند میرزا علی خان: دکتر دندانپزشک با درجه تخصص از دانشگاه تکران آمریکا - استاد دندانپزشکی در دانشگاه تهران و رئیس این دانشکده دندانپزشکی.
۹. پرفسور علیرضا مهران، فرزند محمد مهران: رئیس مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی در وزارت علوم آموزش عالی - معاون دانشگاه اصفهان - رئیس دانشگاه صنعتی شریف و استاد دانشگاه لاوال در کانادا.
۱۰. دکتر همایون مهران فرزند محمد مهران: دکتر متخصص بیماریهای قلب و عروق و داخلی با درجه تخصص از دانشگاههای آمریکا و رئیس بهداری بانک مرکزی ایران.
۱۱. حسنعلی مهران، فرزند محمد مهران: معاون وزارت اقتصاد، معاون وزارت امور اقتصاد و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی، قائم مقام مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران و مشاور عالی صندوق بین المللی پول در واشینگتن.
۱۲. محسن مهران فرزند میرزا حسن خان: مدت چهل سال دبیر زبان و ادبیات فارسی در دبیرستانهای پایتخت و ناظم دبیرستان ادیب.
۱۳. مسعود مهران فرزند میرزا حسن خان ساکن ایالات متحد آمریکا، رئیس انجمن خانه سازان ایالت کالیفرنیا آمریکا، عضو هیأت امنای بیمارستان کودکان در اوکلند و چندین انجمن خیریه در آمریکا و اخذ دکترای افتخاری از چند دانشگاه آمریکا.
۱۴. دکتر فریدون مهران فرزند حسین خان: جراح ترمیم پلاستیک در تهران.
۱۵. ناصر مهران فرزند میرزا ابوتراب خان: رئیس سابق شعبه دادگاه جنایی تهران و وکیل پایه یک دادگستری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی